

## مقایسه باورهای انگیزشی فرزندان در گونه‌های مختلف خانواده بر اساس مدل فرایند و محتوای

### خانواده

منا قریشی<sup>1\*</sup>؛ سیامک سامانی<sup>2</sup>

دریافت: 92/01/24

پذیرش: 93/11/21

### چکیده

اعتبار آن‌ها تأیید شده است، استفاده گردید، داده‌ها به صورت کمی تعریف شد. با استفاده از نرم‌افزار SPSS به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی میانگین و انحراف معیار و روش آمار استنباطی آزمون تحلیل واریانس یک‌متغیره، آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره، آزمون تی و آزمون تعقیبی شفه استفاده شد.

تحلیل‌ها نشان داد که از میان خرده‌مقیاس‌های باورهای انگیزشی، خودکارآمدی و ارزش‌گذاری درونی در گونه‌های مختلف خانواده دارای تفاوت معنادار است، که تفاوت در گونه‌های سالم با گونه‌های غیر سالم می‌باشد. در حالی که در اضطراب امتحان تفاوت معناداری در گونه‌های مختلف خانواده مشاهده نشد. همچنین تفاوت جنسیتی در هیچ‌یک از مؤلفه‌های باور انگیزشی معنادار نبود. و به روان‌شناسان مدرسه و مشاوران توصیه می‌شود که این موضوع را در مشاوره با دانش‌آموزان مورد توجه قرار دهند.

**واژگان کلیدی:** باورهای انگیزشی، فرایند خانواده، گونه‌های خانواده، محتوای خانواده.

هدف از پژوهش حاضر، تبیین تفاوت باورهای انگیزشی دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی در گونه‌های مختلف خانواده بر اساس مدل فرایند و محتوای خانواده بود. روش پژوهش توصیفی و از نوع پس‌رویدادی می‌باشد. به منظور این پژوهش از میان دانش‌آموزان پایه دوم و سوم مقطع متوسطه شهر شیراز که در سال تحصیلی 90-91 مشغول به تحصیل بودند، 308 (186 دختر، 122 پسر) دانش‌آموز به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. فرایند انتخاب گروه نمونه در این پژوهش بدین ترتیب بود که ابتدا از هر کدام از نواحی چهارگانه شهر شیراز، دو دبیرستان (یک دبیرستان دخترانه، یک دبیرستان پسرانه) به تصادف انتخاب و سپس از هر دبیرستان به تفکیک رشته یک کلاس انتخاب و کلیه دانش‌آموزان کلاس انتخاب شده مورد مطالعه قرار گرفتند.

پس از نمونه‌گیری و انتخاب نمونه مورد نظر، برای جمع‌آوری اطلاعات از مقیاس‌های خودگزارشی فرایند، مقیاس‌های خودگزارشی محتوای خانواده (فرم فرزندان) و راهبردهای انگیزشی یادگیری که روایی و

1. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، علوم و تحقیقات اصفهان (\*نویسنده مسئول) [mona\\_ghoreishi@yahoo.com](mailto:mona_ghoreishi@yahoo.com)

2. دانشیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی [samanisiamak@gmail.com](mailto:samanisiamak@gmail.com)

## مقدمه

انگیزش<sup>1</sup> از جمله مفاهیم رایج در روان‌شناسی و به ویژه روان‌شناسی تربیتی است و در دو دهه اخیر، کارشناسان تعلیم و تربیت به مقوله انگیزش توجه بیشتری کرده‌اند. انگیزش در برگرنده مسایلی از قبیل هیجان، نگرش و ارزش‌گذاری می‌باشد. باورهای انگیزشی<sup>2</sup> شامل: جهت‌گیری‌های هدف یا اهداف پیشرفت<sup>3</sup> و خودکارآمدی<sup>4</sup> است. جهت‌گیری‌های هدف: هدف و معنایی است که شخص برای رفتار پیشرفت خود در نظر می‌گیرد (پینتریچ<sup>5</sup>، 1999). جهت‌گیری‌های هدفی متنوعند: تبحری، عملکردی رویکردی و عملکردی اجتنابی (میدگلی<sup>6</sup>، 1998).

تبحری: افراد با اهداف تبحری برای تبحر در تکلیف، مهارت یا محتوا تلاش می‌کنند. عملکردی رویکردی و عملکردی اجتنابی: افراد با جهت‌گیری عملکردی برای دستیابی به نمرات خوب یا خرسند کردن دیگران (معلم یا اولیا) تلاش می‌کنند (پینتریچ، 1999). همچنین ویژگی اجتنابی جهت‌گیری‌هایی برای تمایل شخص جهت دور شدن یا نزدیک شدن به تکلیف برای رسیدن به هدف اشاره دارد. مؤلفه دیگر باورهای انگیزشی خودکارآمدی است. خودکارآمدی شامل باورها یا ارزیابی‌های شخص در اثربخش بودن در انجام تکالیف یا موقعیت‌های خاص است و دارای دو مؤلفه اساسی است: انتظار<sup>7</sup> و ارزش<sup>8</sup>. فرد خودکارآمد معتقد است که می‌تواند تکالیف شناختی و تحصیلی مورد نظر را انجام دهد و از طرف دیگر انجام این کار برای او ارزشمند است

(باندورا<sup>9</sup>، 1986). در گذشته بسیاری از پژوهشگران فرایند انگیزش را با کنش‌وری تحصیلی به طور مجزا بررسی کرده‌اند، ولی امروزه اکثر روان‌شناسان به انگیزش و نقش آن در یادگیری توجه دارند و بر اساس نظریه‌های جدید مانند یادگیری خودتنظیمی<sup>10</sup>، انگیزش و کنش‌وری تحصیلی به صورت یک مجموعه درهم‌تنیده و مربوط به هم در نظر گرفته می‌شوند. بر اساس یک مدل یادگیری خودتنظیمی که توسط پینتریچ و دی گروت<sup>11</sup> (1990) مطرح شده است خودکارآمدی، ارزش‌گذاری درونی<sup>12</sup> و اضطراب امتحان<sup>13</sup> را به عنوان باورهای انگیزشی در نظر گرفتند که در این پژوهش از این نظریه استفاده شده است. باورهای انگیزشی دسته‌ای از معیارهای شخصی و اجتماعی هستند که افراد برای انجام یک عمل به آن‌ها مراجعه می‌کنند. این باورها در برگرنده معیارهایی در مورد استدلال افراد جهت انتخاب روش‌های انجام تکلیف بوده و به وسیله پیامدهای ناشی از رفتار، همانندسازی با دیگران و سایر عوامل تحت تأثیر قرار می‌گیرند و در موقعیت‌های مختلف ممکن است تغییر کنند (قدم‌پور و سرمد، 1382). همچنین پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است. نتایج نشان داده است که آموزش راهبردهای فراشناختی بر انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان تأثیر مثبت داشته و آن را افزایش می‌دهد (عشورنژاد، 1392). اخیراً گزارش کردند که آموزش مؤثر و ترویج مهارت‌های مطالعه تأثیر مثبتی بر عملکرد تحصیلی و انگیزش درونی دارد (گریفین<sup>14</sup> و همکاران، 2013).

نتایج پژوهش زلالی و قربانی (1393) نشان داد که میانگین نمرات گروه مبتلا به نارساخوانی در

1. Motivation
2. Motivational beliefs
3. Achievement goals or Goal orientations
4. Self -efficacy
5. Pintrich
6. Midgley
7. Expectancy
8. Valu

9. Bandura

10. Self-regulation

11. Pintrich&amp;De Groot

12. Intrinsic

13. Test anxiety

14. Griffin

(سامانی، 2005). مطابق این مدل می‌توان خانواده‌ها را بر اساس دو مؤلفه فرایندهای خانواده<sup>3</sup> و محتوای خانواده<sup>4</sup> به چهارگونه خانواده دسته‌بندی نمود. گونه‌ها مختلف خانواده در این مدل عبارتند از: خانواده سالم<sup>5</sup> (کارآمد)، خانواده غیر سالم<sup>6</sup> (ناکارآمد) و دو نوع خانواده مشکل‌دار<sup>7</sup> (مشکل‌دار فرایند و مشکل‌دار محتوایی). منظور از فرایندهای خانواده در مدل فرایند و محتوا، کنش‌هایی است که به اعضای خانواده در انطباق با نیازها و شرایط جدید یاری می‌کنند. از جمله این کنش‌ها، مهارت مقابله<sup>8</sup>، انعطاف‌پذیری<sup>9</sup>، مهارت حل مسئله<sup>10</sup>، تصمیم‌گیری<sup>11</sup>، مهارت ارتباطی<sup>12</sup> و جهت‌گیری مذهبی<sup>13</sup> می‌باشد. منظور از محتوای خانواده نیز داشت‌ها و پتانسیل‌های خانواده اعم از درآمد، تحصیلات، شغل و سلامت جسمی و روانی می‌باشد (سامانی، 2008). در همین راستا و به منظور تصریح نیم‌رخ روان‌شناختی گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوا، تحقیقات متعددی صورت گرفته است. به طور مثال صالحی (1388) در مطالعات خود نشان داد که خانواده‌هایی که به لحاظ فرایندی از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند، دارای فرزندان با انگیزه تحصیلی و خودپنداره بالا می‌باشند. بر اساس پژوهش جعفری (1388) در خانواده‌های سالم و مشکل‌دار فرایندی، پیشرفت تحصیلی موفقیت‌آمیزی مشاهده شد ولی در خانواده‌های غیر سالم و مشکل‌دار محتوایی، پیشرفت تحصیلی ضعیف‌تر است. بهبهانی (1388) در پژوهش

متغیرهای انگیزش درونی، انگیزش درونی برای دانستن و نمره کلی انگیزش تحصیلی، اشتیاق رفتاری، اشتیاق هیجانی و نمره کلی اشتیاق به مدرسه به‌طور معناداری پایین‌تر از گروه عادی می‌باشد. هوشمندجا و احمدزاده (2012) نیز بیانگر رابطه معنادار مثبتی بین راهبردهای شناختی و فراشناختی با انگیزش تحصیلی در دانش‌آموزان بود.

همچنین وقتی در سیستم آموزشی مشکلاتی همچون افت تحصیلی رخ می‌دهد، از انگیزه یادگیرنده به عنوان یکی از علل مهم آن یاد می‌شود. عوامل مختلفی در متمایز بودن جهت‌گیری انگیزشی دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف تأثیر دارند که از آن جمله می‌توان به محیط خانواده دانش‌آموزان اشاره کرد. خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین نماینده جامعه، نقش اساسی را در آموزش شیوه زندگی به افراد بازی می‌کند. تحقیقات بسیار نشان داده‌اند که اکثر بچه‌هایی که از نظر تحصیلی موفق هستند، از خانواده‌هایی می‌باشند که در آن‌ها روابط سالمی بین اعضا برقرار است (مک‌کللند<sup>1</sup>، 1987). به‌طور کلی همواره خانواده به عنوان جالب‌ترین و مهم‌ترین سیستم انسانی مورد توجه بوده است. به بیان نظریه‌پردازان سیستم خانواده، خانواده همانند بدن انسان است که هر جزء بر جزء دیگر اثر می‌گذارد و فرزندان در این سیستم به عنوان یکی از اجزاء محسوب می‌شوند که هم از اجزاء دیگر اثر می‌پذیرند و هم بر اجزاء دیگر اثر می‌گذارند (سیگمن<sup>2</sup>، 1999).

همچنین با توجه به اینکه خانواده اساسی‌ترین نهاد اجتماعی به شمار می‌رود، نظریه‌پردازان در زمینه این نهاد بنیادین چارچوب‌های نظری گوناگونی ارایه نموده‌اند. یکی از مدل‌های نظری در گونه‌شناسی خانواده مدل فرایند و محتوای خانواده می‌باشد

3. Family processes
4. Family contextual
5. Health family
6. Unhealth family
7. Problematic family
8. Coping
9. Flexibility
10. Problem solving
11. Decision making
12. Communication skills
13. Religious orientation

1. McClelland
2. Sigelman

یافته‌ها به‌طور ضمنی بیان می‌کنند که دختران بیشتر اهداف عملکردی دارند و از راهبردهای یادگیری کمتری استفاده می‌کنند. نیمی ویرتا<sup>3</sup> (1997) تحقیقی با تعداد 628 دانش‌آموز پایه هفتم انجام داد، نقش انگیزش در تفاوت‌های جنسیتی را مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها تفاوت ناچیز نیم‌رخ‌های شناختی - انگیزشی در دختران و پسران را نشان می‌داد. نوع باورهای انگیزشی دانش‌آموزان بر میزان یادگیری و استفاده از راهبردهای شناختی آنان تأثیر عمده دارد و از جمله عوامل تعیین‌کننده در موفقیت تحصیلی محسوب می‌شود (زیمرمن<sup>4</sup>، 1990؛ به نقل از هونگ<sup>5</sup>، 2009).

نتایج پژوهش کجباغ (1382) نشان داد که بین دختران و پسران تنها در زمینه اضطراب امتحان تفاوت معناداری وجود دارد.

از آنجا که استفاده از باورهای انگیزشی تحت تأثیر متغیرهای جنسیت و خانواده می‌باشد، بر همین اساس هدف اصلی در این پژوهش تبیین تفاوت باورهای انگیزشی دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی در گونه‌های مختلف خانواده بر اساس مدل بافت‌نگر فرایند و محتوای خانواده تعیین گردید. به عبارت دیگر در این مطالعه به جایگاه و کارکرد خانواده در خصوص باورهای انگیزشی دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی پرداخته شد. بررسی هر یک از متغیرها بر میزان استفاده از باورهای انگیزشی تأثیر می‌گذارند و از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که با کسب اطلاعات کافی در این زمینه، می‌توان برنامه‌های آموزشی مناسب طراحی کرد و زمینه را برای افزایش کیفیت فرایند خانواده فراهم آورد و از طریق ارایه

خود بیان می‌کند که مهارت‌های اجتماعی کافی در خانواده‌های سالم بیشتر مشاهده می‌شود. عبدالله‌زاده (1388) نیز در مطالعه خود نشان داد که خانواده‌های سالم به لحاظ مشکلات هیجانی (افسردگی، اضطراب و استرس) در مقایسه با دیگر گونه‌های خانواده از مشکلات کمتری برخوردار هستند. سامانی (2010) در مطالعاتی که انجام داد، بیان کرد در خانواده‌های سالم و مشکل‌دار محتوایی نمره بالا برای مقابله، عملکرد، انگیزش خارجی و انسجام اجتماعی وجود دارد. ترابی (1389) نیز در پژوهش خود نشان داد که در خانواده‌های سالم میزان بالاتری شادکامی و تمام ابعاد آن (سلامتی و کارآمدی، رضایت از زندگی، خلق مثبت) وجود دارد. همچنین مطالعات در زمینه تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از باورهای انگیزشی، نتایج متناقضی را گزارش می‌کنند. مثلاً در رابطه با الگوهای انگیزشی، پینتریچ و شانک<sup>1</sup> (2002) دریافتند که دختران در مقایسه با پسران به گزارش کردن سطوح پایین‌تر کارآمدی شخصی بیشتر تمایل دارند. پینتریچ و دی گروت (1990) در پژوهشی رابطه مؤلفه‌های انگیزش و یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی در کلاس‌های علوم و زبان انگلیسی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که میان دختران و پسران در زمینه استفاده از راهبردهای شناختی و خودتنظیمی و ارزش‌گذاری درونی تفاوت وجود نداشت. پسران به‌طور معنادارتری نسبت به دختران کارآمدتر بودند و اضطراب امتحان کمتری داشتند. همچنین بررسی‌ها نشان داده‌اند که دختران چالش کمتری ترجیح می‌دهند و اغلب شکست را به توانایی‌هایشان نسبت می‌دهند و هنگامی که شکست را تجربه می‌کنند، بیشتر تضعیف می‌شوند (آبلارد و لیب شولتز<sup>2</sup>، 2000 به نقل از پیرمردیان، 1387) این

3. Niemi Virta  
4. Zimmerman  
5. Hong

1. Pintrich & Schunk  
2. Ablard & Lipschult

### 1- مقیاس راهبردهای انگیزشی برای یادگیری<sup>1</sup> (MSLQ)

ابزار مورد استفاده در این پژوهش مقیاس راهبردهای انگیزشی برای یادگیری است که توسط پیتر ریچ و دی گروت در سال 1990 ساخته شده است. این مقیاس دارای 46 سؤال است و شامل خودکارآمدی، ارزش درونی و اضطراب امتحان است. سؤالات مربوط به این مقیاس به صورت مدرج و 5 نمره‌ای از کاملاً موافقم (5 نمره) تا کاملاً مخالفم (1 نمره) منظم شده است. پایایی پرسش‌نامه در پژوهش البرزی و سامانی (1378) روی مراکز تیزهوشان شهر شیراز، با استفاده از شیوه بازآزمایی سنجیده شد و ضریب حاصل برابر 0/76. و در سطح  $p < 0/005$  معنادار بوده است برای بررسی روایی صوری پرسش‌نامه، البرزی و سامانی (1378) از نظرات اساتید صاحب‌نظر دانشگاه شیراز استفاده کردند که روایی قابل قبولی برای آن در نظر گرفته شده است.

2- مقیاس خودگزارشی فرایند خانواده<sup>2</sup> (SFPC)  
مقیاس فرایند خانواده توسط سامانی در سال 2008 ساخته شده است که در ابتدا شامل 47 سؤال بود که بعداً 4 سؤال آن حذف گردید. فرم جدید آن شامل 43 سؤال 5 گزینه‌ای می‌باشد که به صورت طیف لیکرت از 1 تا 5 (=1 کاملاً مخالفم تا 5 کاملاً موافقم) درجه‌بندی شده است و 5 عامل مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های مقابله‌ای، مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله، انسجام و انعطاف‌پذیری و عقاید مذهبی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و با جمع کردن نمرات به دست آمده، نمره کل پرسش‌نامه به دست می‌آید.

خدمات اجتماعی توسعه کیفیت خانواده را افزایش داد. با توجه به اهداف و تحقیقات پیشین در قلمرو موضوع مورد بررسی فرضیه‌های مورد پژوهش را در دو قالب زیر می‌توان بیان کرد:

1. بین دانش‌آموزان در گونه‌های مختلف خانواده به لحاظ باور انگیزشی تفاوت معناداری وجود دارد.
2. بین دختران و پسران به لحاظ مؤلفه‌های باور انگیزشی (خودکارآمدی، ارزش‌گذاری درونی و اضطراب امتحان) تفاوت معناداری وجود دارد.

### مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نوع توصیفی (پس‌رویدادی) می‌باشد. که در این پژوهش به مقایسه باورهای انگیزشی فرزندان دختر و پسر در گونه‌های مختلف خانواده بر اساس مدل فرایند و محتوای خانواده پرداخته شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پایه دوم و سوم مقطع متوسطه شهر شیراز بود که (در رشته‌های ریاضی - فیزیک، تجربی، علوم انسانی) در سال تحصیلی 90-91 مشغول به تحصیل بودند.

حجم گروه نمونه این مطالعه با استفاده از روش جدول مورگان شامل 308 دانش‌آموز دبیرستانی شهر شیراز بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، انتخاب شدند. فرایند انتخاب گروه نمونه در این پژوهش بدین ترتیب بود که ابتدا از هر کدام از نواحی چهارگانه شهر شیراز، دو دبیرستان (یک دبیرستان دخترانه، یک دبیرستان پسرانه) به تصادف انتخاب و سپس از هر دبیرستان به تفکیک رشته یک کلاس انتخاب و کلیه دانش‌آموزان کلاس انتخاب شده مورد مطالعه قرار گرفتند.

به منظور گردآوری اطلاعات برای انجام پژوهش حاضر از سه مقیاس مختلف به شرح زیر استفاده شد:

1. Motivated Strategies for Learning Questionnaire  
2. Self-Report Family Process Scale

جدول 1. میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه

		به تفکیک جنسیت			
جنسیت	میانگین	و	باورهای	محتوا	فرایند
دختر	میانگین	94.42	128.59	154.28	
	انحراف	9.46	21.84	29.22	
پسر	میانگین	90.47	130.77	150.48	
	انحراف	11.15	25.80	19.21	
کل	میانگین	92.92	129.45	152.78	
	انحراف	10.31	23.46	29.11	

جدول 2. ضریب همبستگی متغیرها

متغیرها	1	2	3
1- محتوا	1		
2- فرایند	0.556**	1	
3- باورهای انگیزشی	0.144*	0.237**	1

P<0.01=\*\*, P<0.05=\* \*

فضای زندگی و 7- تسهیلات آموزشی. برای اندازه‌گیری محتوای خانواده از مقیاس محتوای خانواده فرم فرزندان (سامانی، 2008) استفاده شده است. این پرسش‌نامه در سال 2008 توسط سامانی ساخته شده است و یک مقیاس خودسنجی می‌باشد. این مقیاس 38 سؤال و 7 خرده‌مقیاس دارد. در این فرم برای نمره‌گذاری هر سؤال درجه تعیین 1 (کاملاً مخالفم) تا 5 (کاملاً موافقم) به هر آزمودنی تعلق می‌گیرد. و با جمع کردن نمرات به دست آمده، نمره کل پرسش‌نامه به دست می‌آید. ضریب پایایی به شیوه آزمون و بازآزمایی با فاصله زمانی دو هفته و ضریب آلفا برای این آزمون به ترتیب 0/78 و 0/79 گزارش شده است. سامانی (2008) به منظور تعیین روایی مقیاس محتوای خانواده از روش تحلیل عامل استفاده

ضریب پایایی به شیوه آزمون و بازآزمایی با فاصله زمانی دو هفته و ضریب آلفا برای این آزمون به ترتیب 0/80 و 0/85 گزارش شده است. سامانی (1387) به منظور تعیین روایی مقیاس فرایند خانواده از روش تحلیل عامل استفاده کرد. نتایج تحلیل عامل حاکی از روایی بالای این مقیاس است.

جدول 3. نتایج تحلیل واریانس یک متغیره برای مقایسه باورهای انگیزشی در گونه‌های مختلف خانواده

واریانس‌ها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	مقدار F	سطح معناداری
بین گروهی	703.210	3	234.403	2.230	0.085
درون گروهی	31954.072	304	105.115		
کل	32657.282	307			

کرد. نتایج تحلیل عامل حاکی از روایی بالای این مقیاس است.

به منظور اجرای پرسش‌نامه‌ها و گردآوری اطلاعات با دریافت معرفی‌نامه از معاونت پژوهشی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه آزاد و سپس تأیید پرسش‌نامه‌ها از پژوهشکده معلم و اخذ

3- مقیاس خودگزارشی محتوای خانواده<sup>1</sup> (SFCC) بعد محتوای خانواده هفت عامل را می‌سنجد که عبارتند از: 1- مقیاس شغل و تحصیلات، 2- با هم بودن، 3- منابع مالی و درآمد، 4- ظاهر فیزیکی، 5- سلامت جسمی و روانی، 6-

1. Self-Report Family Content Scale

در ابتدای فرایند تحلیل آماری اطلاعات، به منظور بررسی اطلاعات توصیفی متغیرها، میانگین و انحراف معیار متغیرها محاسبه گردید. جدول شماره 1 نشانگر این اطلاعات است.

در جدول شماره 1 مقدار میانگین و انحراف معیار مربوط به داده‌های به دست آمده به تفکیک دختر و پسر محاسبه شده است. نزدیکی شاخص‌های دخترها به هم نشان‌دهنده نظرات نزدیک به هم و همچنین نظرات نزدیک به هم پسرها به یکدیگر باعث پراکندگی نسبتاً یکسان داده‌ها حول میانگین در دو گروه می‌باشد.

مجوز از اداره کل آموزش و پرورش استان فارس و نواحی چهارگانه شیراز مدارس به تصادف انتخاب شدند. با مراجعه مستقیم به دبیرستان‌های مورد مطالعه نسبت به اجرای پرسش‌نامه‌ها و گردآوری اطلاعات اقدام گردید. سپس با بیان هدف پژوهش به نمونه مورد مطالعه و جلب اعتماد آنان نسبت به اینکه اطلاعات صرفاً جهت پژوهش می‌باشد و همچنین توضیحات لازم در مورد نحوه تکمیل پرسش‌نامه ارائه گشت. پس از اجرای پرسش‌نامه و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، داده‌ها به صورت کمی تعریف شد و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای مقایسه باورهای انگیزشی در

جدول 4. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه مقیاس‌های باورهای انگیزشی در گونه‌های خانواده

متغیرها	منابع واریانس	مجموع مجدورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	مقدار F	سطح معناداری
خودکار آمدی	گونه‌های خانواده	198.711	3	66.237	2.890	0.036
	خطا	6966.832	304	22.917		
	کل	7165.542	307	-		
ارزشگذاری درونی	گونه‌های خانواده	242.743	3	80.914	3.227	0.023
	خطا	7622.790	304	25.075		
	کل	7865.532	307	-		
اضطراب امتحان	گونه‌های خانواده	86.688	3	28.896	2.035	0.109
	خطا	4317.390	304	14.202		
	کل	4404.078	307	-		

همبستگی بین مقیاس‌های مختلف فرایند و محتوای خانواده، باورهای انگیزشی در جدول زیر مشخص شده است.

با توجه به ماتریس همبستگی، ضرایب همبستگی بین تمام متغیرها در سطح  $P < 0/05$  معنادار و مثبت است. به منظور بررسی باورهای انگیزشی دانش‌آموزان در گونه‌های مختلف خانواده از روش تحلیل واریانس

گونه‌های مختلف خانواده از روش‌های آماری توصیفی و روش تحلیل واریانس چندمتغیره و تحلیل واریانس یک متغیره که در سطح معناداری  $P < 0/05$  مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و از آزمون آماری  $t$  مستقل برای تفاوت میانگین مؤلفه‌های باور انگیزشی در دو جنس استفاده شد.

#### اطلاعات و داده‌ها

جدول 5. تفاوت بین دختران و پسران در باورهای انگیزشی

جنسیت	تعداد	کم‌ترین سن	بیشترین سن	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	تی	سطح معناداری
دختر	186	16	18	17.33	0.670			
پسر	122	16	18	17.26	0.758	227.8	2.92	0.29
کل	308	16	18	17.30	0.706			

جدول 6. مقایسه دانش‌آموزان دختر و پسر در ابعاد باورهای انگیزشی

ابعاد باورهای انگیزشی	میانگین دختران	انحراف استاندارد دختران	میانگین پسران	انحراف استاندارد پسران	تی	سطح معناداری
خودکارآمدی	1.24	0.49	4.08	0.57	2.49	0.39
ارزش‌گذاری درونی	3.84	0.54	3.70	0.57	2.15	0.93
اضطراب امتحان	3.67	0.61	3.49	0.63	2.46	0.85

ارزش‌گذاری دانش‌آموزان در گونه‌های سالم و غیر سالم می‌باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده چون مقدار معناداری آزمون در اضطراب امتحان بیشتر از 0/05 می‌باشد، بنابراین هیچ‌گونه تفاوت معناداری بین اضطراب امتحان دانش‌آموزان در گونه‌های مختلف خانواده وجود ندارد.

همچنین برای مقایسه دختران و پسران به لحاظ باورهای انگیزشی و مؤلفه‌های آن از آزمون t مستقل استفاده شد. نتایج آن در زیر آمده است:

همان‌طور که در جداول بالا مشاهده می‌شود سطوح معناداری همه آزمودنی‌ها، بیانگر آن هستند که بین دختران و پسران به لحاظ مؤلفه‌های باور انگیزشی تفاوت معناداری وجود ندارد.

#### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، تبیین تفاوت راهبردهای خودتنظیمی و باورهای انگیزشی دانش‌آموزان دبیرستانی در گونه‌های مختلف خانواده بر اساس مدل فرایند و محتوای خانواده است. بدین منظور جامعه آماری، تمام دانش‌آموزان دبیرستانی شیراز را در

یک متغیره (نوا) استفاده شده است که در جدول 3 نتایج گزارش شده است.

با ملاحظه به جدول چون مقدار معناداری آزمون بیشتر از 0/05 می‌باشد، بنابراین بین باورهای انگیزشی دانش‌آموزان در گونه‌های مختلف خانواده تفاوت معناداری وجود ندارد. با توجه به اینکه سوالات مربوط به باورهای انگیزشی به 3 خرده‌مقیاس خودکارآمدی، ارزش‌گذاری درونی و اضطراب امتحان تقسیم شده عدم وجود تفاوت معنادار این خصوصیت دانش‌آموزان در گونه‌های مختلف خانواده یا استفاده روش تحلیل واریانس چندمتغیره مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

با توجه به جدول 4 چون مقدار معناداری آزمون در خودکارآمدی و ارزش‌گذاری درونی کمتر از 0/05 می‌باشد، بنابراین تفاوت معناداری بین خودکارآمدی و ارزش‌گذاری درونی دانش‌آموزان در گونه‌های مختلف خانواده وجود دارد. با توجه به نتایج آزمون تعقیبی چون در مقایسه دو گونه سالم و غیر سالم مقدار معناداری آزمون کمتر از 0/05 می‌باشد، بنابراین تفاوت موجود ناشی از تفاوت خودکارآمدی و



درونی تفاوت به صورت معنادار است که این تفاوت در گونه‌های سالم و غیر سالم می‌باشد. ترابی (1389) در مطالعه خود بیان کرد که در خانواده‌های سالم میزان بالاتر ابعاد شادکامی: سلامتی و کارآمدی، رضایت از زندگی و خلق مثبت دیده می‌شود. همچنین صالحی (1388) نیز بیان می‌کند که خانواده سالم انگیزه تحصیلی و خود پنداره بالایی دارند. خانواده‌های سالم که از لحاظ محتوا و فرایند در سطح بالایی هستند، فرزندان برای درس‌ها و تکالیف خود اهمیت خاصی قائل هستند و باور دارند در انجام تکالیف خود توانا هستند و دارای هدف در مطالعه می‌باشند. همچنین نتایج مقایسه دختران و پسران در مؤلفه‌های باور انگیزشی نشان داد که میان دختران و پسران در هیچ‌یک از مؤلفه‌ها، تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین نتایج پژوهش حاضر، همسو با یافته‌های نوری ثمرین و همکاران (1389) می‌باشد، که مؤید آن است که در مقایسه دختران و پسران در مؤلفه‌های باور انگیزشی تفاوت معناداری وجود ندارد. در خصوص عدم تفاوت دختران و پسران در مؤلفه ارزش‌گذاری درونی، به نظر می‌رسد که حمایت اجتماعی، خانواده، هم‌کلاس‌ان و ارزش‌های فرهنگی در مورد هر دو جنس همانند عمل می‌کنند. در توجیه نبود تفاوت میان خودکارآمدی دختران و پسران نیز می‌توان بیان داشت که تفاوت‌های جنسیتی در توانایی‌ها و انتظارات، به نوع تکلیف ارائه شده بستگی دارد؛ یعنی چنانچه فرد تکلیف ارائه شده را مربوط به حیطه جنسیتی خود بداند، در مقایسه با جنس دیگر، انتظار عملکرد بهتری از خود خواهد داشت. پذیرش والدین، فرصت انتخاب، تنوع تکالیف، تجربه‌های تبحری، درگیری والدین و حمایت از خودمختاری

برمی‌گرفت و تعداد 308 نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند.

ابزارهای مورد پژوهش شامل مقیاس راهبردهای انگیزشی برای یادگیری و مقیاس خودگزارشی فرایند و محتوای خانواده بودند. مطابق با مدل فرایند و محتوای خانواده 4 گونه خانواده سالم، مشکل دار محتوایی، مشکل دار فرایندی و غیرسالم معرفی گردید و ابعاد باورهای انگیزشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به تحلیل باورهای انگیزشی، نتایج حاکی از عدم وجود تفاوت معنادار در گونه‌های مختلف خانواده است و در تجزیه و تحلیل ابعاد باورهای انگیزشی (خودکارآمدی- ارزش‌گذاری درونی و اضطراب امتحان) این نتایج حاصل شد که که در خودکارآمدی و ارزش‌گذاری درونی تفاوت معنادار است و عدم معناداری خرده‌مقیاس اضطراب امتحان در هر دو بعد فرایند و محتواست. در تبیین یافته‌های این پژوهش باید ذکر کرد که اضطراب امتحان احساس یا حالت هیجانی ناخوشایندی است که در امتحانات رسمی و یا دیگر موقعیت‌های ارزشیابی تجربه می‌شود. بنابراین دانش‌آموزان تحت تأثیر موقعیت‌های ارزشیابی، برخورد مراقبان و معلمان در جلسات امتحان قرار می‌گیرند. از آنجایی که آزمودنی‌های مورد پژوهش در سنین نوجوانی قرار دارند، تحت تأثیر گروه همسالان و بافت اجتماعی می‌باشند؛ در نتیجه نقش خانواده نسبت به متغیرهایی که در بافت اجتماعی پیرامون خانواده است، کم‌رنگ‌تر دیده می‌شود. بر همین اساس معنادار نبودن اضطراب امتحان در گونه‌های مختلف خانواده دور از انتظار نیست. در حالی که در خودکارآمدی و ارزش‌گذاری

در هر تحقیق محدودیت‌هایی وجود دارد توجه به این محدودیت‌ها محقق را در دفاع از یافته‌ها مجهزتر می‌سازد و چون این تحقیق نیز از این اصل مستثنی نیست، لذا محدودیت‌ها در موارد زیر خلاصه می‌گردد.

پیشنهادهای پژوهش: 1. اجرای تحقیق در دیگر پایه‌های تحصیلی (ابتدایی و راهنمایی).

2. استفاده از والدین به عنوان جامعه پژوهش (اجرای پرسش‌نامه بر روی والدین).

3. از آنجایی که در این پژوهش بافت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد مدل فرایند و محتوا، بر خانواده اثر می‌گذارد، پیشنهاد می‌شود که این پژوهش در شهرستان‌های دیگر و در فرهنگ‌های مختلف اجرا شود.

4. آموزش باورهای انگیزشی به دانش‌آموزان در گونه‌های مختلف خانواده و بررسی نتایج آن‌ها جهت میزان تأثیرگذاری آموزش بر عملکرد دانش‌آموزان.

5. آموزش و آگاهی والدین برای گسترش و توسعه باورهای انگیزشی فرزندان و بررسی نتیجه آموزش بر عملکرد فرزندان.

6. استفاده از مقیاس‌های دیگر در زمینه ارزیابی باورهای انگیزشی.

توسط آن‌ها نقش مهم و تعیین‌کننده در خودکارآمدی کودکان دارد (شانک و پاچیز، 1996). در تبیین این نتایج باید عنوان کرد چون خانواده پایگاهی است که فرزندان در آن مهارت‌ها، ارزش‌ها و چگونگی ادراک خود و دیگران را می‌آموزند. والدین سالم در مقایسه با والدین ناسالم، معمولاً با حساسیت و مهربانی بیشتر به رفع نیازهای فرزندان‌شان می‌پردازند. از طرفی مهم‌ترین مفروضه در مدل فرایند و محتوای خانواده حاکی از این مطلب است که اساساً خانواده سالم (خانواده‌هایی که به لحاظ فرایند و محتوا از قابلیت کافی برخوردار هستند) دارای عملکرد بهتری در مقایسه با دیگر خانواده‌های مطرح در مدل (غیرسالم و مشکل‌دار) هستند (سامانی، 2008). همچنین خانواده‌های سالم به دلیل سطح بالای فرایند از قبیل مهارت تصمیم‌گیری و حل مسئله، مهارت مقابله و ارتباط، باورهای مذهبی و همچنین محتوای غنی خانوادگی که شامل شغل مناسب، منابع مالی بیشتر و امکانات مناسب و... می‌باشد و در نتیجه معمولاً فرزندان در چنین خانواده‌هایی احساس باارزشی می‌کنند و باور دارند در انجام تکالیف موفق هستند و از توانایی لازم برخوردار می‌باشند.

## منابع

بهبهانی، مینا. (1388). "بررسی سبک‌های ارتباطی خانواده در گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

پیرمرادیان، رضیه. (1387). "آموزش باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی بر

البرزی، شهلا؛ سامانی، سیامک. (1378). "بررسی و مقایسه باورهای انگیزشی و راهبردهای خودتنظیمی برای یادگیری در میان دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی مراکز تیزهوشان شهر شیراز". مجله علوم اجتماعی و انسانی

دانش‌آموزان". فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، شماره 27، ص 116.

عبداله‌زاده، نازنین. (1388). "بررسی نیمرخ هیجانی فرزندان در گونه‌های مختلف خانواده بر اساس مدل فرایند و محتوای خانواده". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.

قدم‌پور، ع؛ سرمد، ز. (1382). "نقش باورهای انگیزشی در رفتار کمک‌طلبی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان". مجله روان‌شناسی، 26 (7)، 126-112.

کجباف، محمدباقر. (1382). "رابطه باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی". فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، 5 (1).

نوری ثمرین، شهرام؛ برومندنسب، مسعود؛ فلاطونی، فردوس؛ سراج‌خرمی، ناصر. (1389). "مقایسه باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی". مجله یافته‌های نو در روان‌شناسی، 59-47.

مهارت‌های تحصیلی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مرودشت.

ترابی، عطا. (1389). "بررسی شادکامی در گونه‌های مختلف خانواده بر اساس مدل فرایند و محتوای خانواده". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مرودشت.

جعفری، محمدعلی. (1388). "مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در گونه‌های مختلف خانواده بر اساس مدل فرایند و محتوای خانواده". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

زلالی، بهروز؛ قربانی، فاطمه. (1393). "مقایسه انگیزش تحصیلی و اشتیاق به مدرسه در دانش‌آموزان با و بدون نارساخوانی". مجله ناتوانی یادگیری، 4(3)، 44-58.

صالحی، ساناز. (1388). "بررسی انگیزش تحصیلی خانواده در گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

عشورنژاد، فاطمه. (1392). "اثر بخشی آموزش راهبردهای فراشناختی بر انگیزه پیشرفت،

Bandura, A. (1986). Social foundations of thought and action: A social cognitive theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

Griffin, R., MacKewn, A., Moser, E., & Van Vuren, K. W. (2013). Learning Skills And motivation: Correlates to superior Academic performance. Business Education and Accreditation, 5(1): 53-65.

Hong, Eunsoo, Peng, Yong & Rowell, L. L. (2009). Homework self-regulation: grade, gender, achievement - level dif-

ferences. Journal of Educational Psychology, 19(2), 269-276.

Javanmard, A., Hoshmandja, M. & Ahmadzadeh, L. (2012). Investigating the relationship between self-efficacy, cognitive and metacognitive strategies, and academic self-andicapping with academic achievement in male High school students in the Tribes of Fars Province, Journal of Life Science and Biomedicine, 3(1): 27-34.

Mcclelland, D.C. (1987). Characteristics of successful entrepreneurs. Journal of creative behavior, 27, 219-233.

- Midgley, C. (1998). The development and validation of scales assessing student's achievement goal orientations. *Contemporary Educational Psychology*, 23, 113-131.
- Pintrich, Paul R. (1999). The role of motivation in promoting and sustaining self-regulated learning. *International Journal of Educational Research*, 31, 459-470.
- Pintrich, Paul R & De Groot, E.v. (1990). Motivation and self-regulated learning components of classroom academic performance. *Journal of Educational Psychology*, 2(1), 33-40.
- Pintrich, Paul R & Schunk, Dale H. (2002). *Motivation in education, theory, research, and applications*. Second Edition. Merrill Prentice Hall.
- Samani, Siamak. (2005). Family process and content model. Paper Presented in International Society for Theoretical Psychology Conference, 20-24 June, Cape Town, South Africa.
- Samani, Siamak. (2008). Validity and reliability of family process and family content scales. Paper Presented in the XXIX International Congress of Psychology, 20-25 July, Berlin, Germany.
- Samani, Siamak. (2010). Family types in the family process and content model. *Procedia social and behavioral sciences*, 5, 727-732.
- Sigelman, C., K. (1999). *Life span human development*. Pacific Grove, CA: Brooks/Cole.

